هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال ششم ،شمارهٔ سوم شنبه ۸ ثور ۱۳۸۶ ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۲۶ - April 28, 2007

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در مصاحبه با مجاهد به مناسبت پانزدهمین سالروز پیروزی جهاد در افغانستان:

جهاد ملت مسلمان در سطح ملی و بین المللی دستآوردهایی بزرگ داشت



در جهان امروز یک فرهنگ سوفسطایی حاکم است. نه بازسازی صورت گرفت، نه فقر زدایی، و نه ثبات به وجود آمد و نه امنیت.

***

غالباً حوادث بزرگ پی آمدهایی بزرگ می داشته باشد

***

کسانی که می خواهند یک بخش تاریخ را حذف کنند به دهقانی می مانند که در شوره زار می کارد.

***

اعتراض بر کسانی در جبهه، کار کم سوادان و هسته یی در حکومت است.

برگهایی از تاریخ

کودتای ثور و اتحاد شوروی

ص۶

تا جهان هست یاد تو و جهاد مردم افغانستان جاودانه خواهد بود



شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور در حال دادن تعلیمات نظامی به مجاهدین در دوران جهاد

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت

پانزدهمین سالروز پیروزی جهاد و تشکیل دولت اسلامی افغانستان

هموطنان ارجمند و شهروندان گرامی، خواهران و برادران و مجاهدان راه دفاع از دین و کرامت ملی

تحیات و درودهای گرم نثار همهء شما باد!

جمعیت اسلامی افغانستان فرا رسیدن پانزدهمین سالروز پیروزی جهاد بزرگ ملت افغانستان، این رستاخیز سترگ و حماسهء راستین فرزندان این ملت قهرمان را که به خاطر رهایی وطن از ننگ اسارت و ذلت جان های خود را نثار نمودند، به فرد فرد هموطنان خویش شادباش می گوید.

تجلیل از هشت ثور در تاریخ سیاسی معاصر کشورما در واقع، تجلیل از آن راد مردی هایی است که این ملت در ادامهء مبارزات آزادیخواهانه اش. در اواخر قرن بیستم، به پیشاهنگی نهضت اسلامی افغانستان، به دور از هرگونه وابستگی، مردانه رزمیدند و با نثار خون های پاک خود، نه تنها کاخ نظام استبداد داخلی را در هم کوبیدند، بلکه نسیم گوارای آزادی را برای ملت های در بند امپراتوری داس و چکش نیز به ارمغان آوردند و دکتاتوری دولتی کمونیسم را چنان تار و مار کردند که: "نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان".

آری! تجلیل از هشت ثور، تجلیل از ارادهء تسخیر ناپذیر ملتی است که با ایمان به ارادت ملی برخاسته از هویت دینی اش، در آن برههء زمانی حماسه آفرینی ها کردند و پیروزی اراده و ایمان را بر آتش و آهن ثبت تاریخ نمودند.

تجلیل از هشت ثور امسال در شرایطی برگزار می شود که دولت کنونی با بن بست ها و چالش های گونه گون رو به رو است، بحران بی اعتمادی، بحران بد امنی به ویژه در جنوب کشور، بحران عدم رضایت اقشار مختلف مردم از وضع نا به سامان کنونی.

ادامه درص۸

کارمندان مجاهد پانزدهمین سالروز پیروزی جهاد را به مجاهدان فداکار و خانواده شهیدان و کافهٔ ملت افغانستان تبریک می گویند

مجاهد
ارگان نشراتی جُمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلانی
صندوق پستی : ۲۲۶
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahidweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

افتخارات هشت ثور

بدون شک هشت ثور ۱۳۷۱ از روزهای پر افتخار کشور است. این روز پیام آور سرنگونی رژیم دست نشانده و پایان حاکمیت گروه های مارکسیست ـ لنینست و معتقد به دیکتاتوری و ضد حقوق بشر بود. هشت ثور سقوط رژیم کودتایی هفت ثور و بازمانده از تجاوز شوروی و آغاز یک دورهٔ جدید را مژده می داد. دوره یی که با شعار حکومت عدالت و آزادی و حاکمیت مردم به امید صلح و ثبات در کشور و رفاه و آسایش هموطنان ما آغاز می گردید.

بدبختانه که دشمنان عزت و آبروی جهاد در داخل و خارج دست به دست هم دادند و از همان نخستین صبحگاه پیروزی ـ و حتی مدت ها قبل ـ در پی نابودی افتخارات جهاد و بدنامی مجاهدین گردیدند. حوادث تلخ و خونبار در سال های نخست پیروزی جهاد بر افتخارات و برازندگی های هشت ثور و دولت اسلامی سایه افگند و سیل تبلیغات، شایعات، اتهامات و دروغ پراگنی های اغراق آمیز دشمنان داخلی و خارجی برضد مجاهدین و دولت اسلامی آغاز و تشدید گردید.

هرگاه رویداد تاریخی هشت ثور را در مقایسه با رویدادهای مشابه بررسی و تحلیل نماییم، بیشتر به افتخارات و برجستگی های این روز تاریخی پی خواهیم برد:

۱- دشمنان جهاد و مجاهدین همواره ادعا داشتند که مجاهدین فقط جنگجویان بیرحمی هستند که جز خونریزی و انتقام به چیز دیگری نمی اندیشند ولی بعد از هشت ثور و حتی قبل از آن، همه رهبران مجاهدین طی یک گردهمایی بزرگ در پیشاور پاکستان، عفو عمومی را اعلام نمودند و اطمینان دادند که در صورت پیروزی برخلاف انقلابات و تحولات در کشورهای آسیایی و افریقایی به انتقام و کشتار متوسل نخواهند شد. و همان بود که پس از تشکیل دولت اسلامی ـ برخلاف انتظار ـ موج دستگیری، محاکمه و اعدام افراد نظامی و یا غیر نظامی رژیم سابق آغاز نگردید.

۲- گرچه از همان نخستین روزهای پیروزی، گروه های مسلح شورشی علم بغاوت را بلند و عمدتاً در شهر کابل اهداف غیر نظامی را آتشباران نمودند ولی دولت اسلامی در کنار دفاع از مردم، باب مذاکره و مصالحه را نیز باز گذاشت و همواره آمادگی خویش را برای دادن سهم و امتیاز به گروه های شورشی اعلام می نمود.

۳- در همچو شرایط دشوار و حالت جنگی، دولت اسلامی به حقوق و آزادی های افراد احترام می گذاشت و آن را حمایت می نمود. آزادی بیان و رسانه ها وجود داشت و دولت از سوی رسانه های داخلی و در قلمرو دولت، مورد شدید ترین انتقادات و حتی اتهامات قرار می گرفت ولی کسی به جرم بیان و اظهار فکر و نظر خویش زندانی و یا محاکمه نگردید.

٤- در زندان ها حتی یک زندانی سیاسی وجود نداشت و از خروج هیچ کسی از کشور جلوگیری نگردید.

٥- در دولت به همه گروه های مطرح و حتی افراد بی طرف و یا دارای سوابق کار در رژیم های گذشته سهم داده شده بود و آن دولت چنان قاعدهٔ وسیع داشت که در تاریخ افغانستان و کشورهای جهان نظیر و مانند آن را نمی توان سراغ نمود. در حالی که دشمنان آن را به انحصار طلبی متهم می نمودند!

دولت، دست دوستی را به سوی همه کشورهای جهان به خصوص کشورهای همسایه دراز نمود ولی نه تنها به گرمی فشرده نشد، بلکه پیام دوستی با طرح توطئه ها و کمک به شورشیان مسلح پاسخ داده شد وپی آمدهای زیانبار آن منافع کشورهای دیگر را نیز با خطر مواجه ساخت؛ زیرا افغانستان اسلامی، مستحکم و با ثبات به سود همسایگان و امنیت منطقه است و زمینه های پیشرفت و توسعه را در کشورهای منطقه مهیا می سازد و دوستی و برادری میان این کشورها را تقویت می بخشد.

هشت ثور بساط مارکسیسم ـ لنینیسم و دیکتاتوری پرولتاریا را برچید و به حاکمیت رژیم تک حزبی پایان بخشید. هشت ثور پیام وحدت و تسامح و مدارا و رعایت حقوق بشر و آزادی ها را با خود داشت ولی ماجرا جویان تبهکار مانع چیدن ثمرات پیروزی جهاد گردیدند و شهد فتح را در کام هموطنان رنجدیدهء ما تلخ ساختند.

مصایب، تلفات و ویرانی در کشورما در سال های پس از هشت ثور بسیار درد آور و جانکاه است. ما بر این باوریم که ریختن یک قطره خون و یا خرابی یک خشت خانهء یک فقیر در افغانستان، قابل تأثر و در خور بازپرس است و مسبب آشوب ها و جنگ ها از حساب و عذاب الهی در امان نخواهند بود ولی از باب واقعیت و انصاف باید گفت که دشمنان جهاد و مجاهدین در مورد شورش ها و تلفات و خسارات آن بیش از حد مبالغه کرده و اعداد و ارقامی داده اند که کاملاً خلاف واقع است!

حوادث تلخ پس از هشت ثور هرچند بسیار درد آور و حزن انگیز است ولی هرگز نمی توان افتخارات و برجستگی های هشت ثور را نادیده گرفت.

این روز تاریخی و ملی بر همگان مبارکباد!

حماسهء روز هشتم ثور

ابوبکر سبزوار



هشت ثور ۱۳۷۱، روزی که پایه های ادامهٔ اشغال شوروی در افغانستان فروریخت وجهاد به پیروزی رسید

کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ هرچند در بدو وقوع از جانب دنیای غرب به عنوان یک پیروزی مهم برای اتحاد شوروی و پیشقدمی جدید به سوی جنوب تلقی شد اما به هرحال دنیای غرب آن را به عنوان یک عمل انجام شده پذیرفت. امریکا سال ها قبل به خواست افغانستان برای کمک اقتصادی جواب منفی داده و تقریبا افغانستان را به عنوان یکی از اقمار غیر رسمی شوروی پذیرفته بود.

برای روس ها که از ده ها سال قبل برای سلطه به افغانستان طرح و برنامه داشتند و در ساختار اردوی افغانستان مهره های خود را جا به جا کرده بودند، دست به کودتا زدن و کمونیست های هوادار خود را به قدرت رسانیدن کار دشواری نبود اما شرایط جهانی و شرایط داخلی افغانستان را برای چنین کاری مناسب نمی دیدند.

اما ناگهان شرایط در منطقه به ضرر امریکا تغییر کرد. در ایران نخستین بارقه های یک قیام بزرگ به مشاهده رسید. هرچند که در ابتدا به نظر می رسید شاه در موقعیت زیاد آسیب پذیر قرار ندارد اما روس ها که از نزدیک شاهد جریانات بودند، از همان آغاز، نشانه هایی از فروپاشی رژیم سلطنتی را مشاهده کردند. به خصوص که در امریکا شخص بسیار ضعیفی چون جیمی کارتر به ریاست جمهوری رسیده بود. بنابر این رهبران کریملین شرایط منطقه و جهان را به نفع خویش ارزیابی کردند. هرچند رهبران کرملین مخالفت جهانی در برابر اقدام شان را پیشبینی می کردند، اما آنچه که به آن کمتر بها داده شد، امکان مخالفت وسیع مردم افغانستان با این کودتا بود.

اما کودتا گران به زودی در میان خود دچار اختلاف شدند و در عین حال مجاهدین نیز با وجود عدم دسترسی به سلاح های مناسب، به مقاومتی پرداختند که علی الرغم سرکوب های وحشیانه از جانب رژیم کابل، پایانی برای آن متصور نبود. به زودی مشخص شد که اگر مقاومت و قیام مردمی به همین شکل ادامه یابد، دیگر امکان حاکمیت حکومت مرکزی بر بخش بزرگی از کشور از دست خواهد رفت. تقاضای دولت کابل از اتحاد شوروی برای اعزام نیروهای مسلح غرض سرکوب مقاومت، نشان از منتهای ناتوانی این رژیم داشت. به نظر می رسد که روسها برای بهبود وضع، در صدد ایجاد اصلاحات در دستگاه دولت تره کی بودند اما این تلاش برای اصلاحات به وسیلهء حفیظ الله امین، مرد شماره دوم اما در عمل قدرتمند ترین شخص در دستگاه دولت، عقیم گذاشته شد. تره کی کشته شد و روس ها نیز باید امین را از قدرت برکنار می کردند.

برکناری امین و جا به جا کردن کارمل وگروه پرچم، با تجاوز ارتش سرخ به افغانستان ممکن شد. امین کشته شد و مردم افغانستان در برابر تجاوز شوروی قرار گرفتند. از این به بعد امریکا و غرب به صورت جدی تر به مسألهء افغانستان توجه کردند.

امریکا در این منطقهء حساس از جهان به دو شکست مواجه شد، در ایران رژیم شاه را از دست داد و در افغانستان کمونیست ها به قدرت رسیدند. ترس دیگری که امریکا در این مقطع از زمان احساس می کرد این بود که مبادا روس ها به کمک حزب توده به اقدام مشابه افغانستان در ایران دست بزنند که در این صورت منابع عظیم نفت در شرق میانه مورد تهدید شوروی قرار گیرد.

همان بود که مسألهء کمک به مجاهدین افغان مورد توجه قرار گرفت اما برنامهء امریکا در افغانستان طوری بود که این جنگ طولانی و برای روسها فرسایشی باشد. برای این کار باید مجاهدین یک دست نمی بودند. این تصمیم که به چه تعداد احزاب در جنگ با روسها سهم بگیرند، در اختیار مردم افغانستان نبود. هم در ایران و هم در پاکستان گروه های متعددی به میان آمدند.

هرچند مجاهدین از وحدت کامل برخوردار نبودند اما با وجود این مشکل بزرگ، روس ها در برابر این ملت ناچار به قبول شکست شدند. توافقات ژنیو راه را برای خروج آبرومندانهء ارتش سرخ از افغانستان فراهم کرد. جنگی که برای رهبران کرملین در زمان زمامداری برژنف کم مصرف بود، برای جانشینانش به تدریج پرمصرف و سرانجام کمر شکن شد.

هرچند رونالد ریگان رئیس جمهور وقت امریکا گفته بود که جنگ افغانستان جنگ ما و جهاد افغانستان جهاد ماست. آنها به فکر مردم افغانستان نبودند. امریکا و در مجموع غرب به اتحاد شوروی و اروپای شرقی به چشم یک بازار پر منفعت نگاه می کردند که در های آن به وسیلهء رژیم کمونیستی به روی امتعهء تجارتی غرب بسته شده است. از نظر امریکا و غرب ما مردم افغانستان ابزاری برای شکستن این در بسته و گشودن آن به روی سرمایداران غربی بودیم. وقتی اتحاد شوروی از هم پاشید، در حقیقت این در باز شد. از آن به بعد ابزار شکنندهء این در نیز بی مصرف به شمار آمد وقابل دور ریختن شد.

اما نباید گناه همه مشکلات را به گردن دیگران انداخت. شکی نیست که مجاهدین نیز پس از سرنگونی اتحاد شوروی، در درک درست تحولات جهانی مشکل داشتند. آنها هنوز هم با معیار های دوران جنگ سرد وضع و شرایط را سبک و سنگین می کردند.

از خروج نیروهای روسی از افغانستان تا سقوط رژیم نجیب حدود سه و نیم سال سپری شد. در طول این مدت مجاهدین نتوانستند تا میان خود به تفاهم دست یابند. آنها در جنگ جلال آباد پیروز نشدند و حکومت های برون مرزی شان نیز در مواجهه با اختلافات داخلی ضعیف و کم رمق شد و از پای درآمد.

اما سرانجام در هشت ثور ۱۳۷۱ بود که مجاهدین موفق شدند تا به عمر رژیم دست نشاندهء بازمانده از دوران تجاوز اتحاد شوروی پایان دهند وآن را سرنگون سازند.

بعضی ها به این باورند که این واقعه به خاطر ماجراهای خونین بعدی آن که به جنگ تنظیمی منجر شد، جایی برای افتخار ندارد اما این روز تبلور آرزو های ملتی است که راه دشواری را برای رسیدن به آزادی طی کرد و هر قدم این راه با نثار خون بهترین فرزندان این ملت طی شد.

ملت های زنده، روز های افتخار خود را فراموش نمی کنند و مردم قهرمان و مجاهد ما نیز این روز را که یادگار قربانی های بیدریغ این ملت سربلند است و ایثارگر است، همیشه گرامی خواهند داشت.

جهاد ملت مسلمان در سطح ملی و بین المللی دستآوردهای بزرگ داشت



اشاره

مجاهد به مناسبت فرا رسیدن پانزدهم سالروز پیروزی جهاد مردم مسلمان افغانستان علیه اتحاد شوروی وقت و رژیم وابستهء آن مصاحبه یی با استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت انجام داده است. اینک توجه خوانندگان عزیز را بدان معطوف می داریم:

مهم ترین دست آوردهای جهاد ملت مسلمان افغانستان در سطح ملی و بین المللی کدام هاست؟

پیروزی در قیام ها و رستاخیزهایی بزرگ مانند قیام و رستاخیز ملت مجاهد افغانستان خودش یک دستآورد بزرگ ملی است. پیروزی در جنگی که نه تنها در آن ملت ها و کشورها بلکه فرهنگ و تاریخ ها نیز مورد تهاجم قرار می گیرد دستآوردی است بسیار. در این پیروزی نه تنها ملت افغانستان به آزادی و استقلال دست می یابد بلکه ارتش سرخ شکست می خورد و آیدئولوژی ویرانگر مارکسیسم لینینسم به شکست مواجه می شود و دستگاه امپراتوری اتحاد شوروی فرو می پاشد.

ملت هایی زیاد به استقلال می رسند و دیوار برلین که سالیانی دراز قلب ملت آلمان را دوپاره کرده بود فرو ریخت.

یکی دیگر از ابعاد گستردهء جهاد در سطح ملی برهم زدن بی موازنگی در سیاست افغانستان است. برخی از مردمان در حاشیهء حوادث قرار داشتند و از مشارکت سیاسی محروم بودند. برای نخستین بار در تاریخ افغانستان در انتخابات شورای اهل حل و عقد اساس کار انتخابات بر تعداد جمعیت گذاشته شد و در پیش از آن این مساله اساساً مورد بحث قرار نمی گرفت.

مردم افغانستان در دوران جهاد دارای یک فرهنگ سیاسی شدند، پیش از آن میان مردم و سیاست یک خلیج وجود داشت و مردم خود را تنها رعایا تلقی می کردند، در طی جهاد بود که مردم احساس کردند که آنان شهروند هستند، اکنون مردم در دور ترین و دور افتاده ترین روستاها به سیاست و نظام کشورش می اندیشد.

پس از پیروزی مجاهدین در هشتم ثور سال ۱۳۷۱ بحران و جنگ هایی به وجود آمد که برخی آن ها را ناشی از جنگ های قدرت طلبانهء حزبی و گروهی می دانند شما چه نظری دارید؟

غالباً حوادث بزرگ پی آمدهای بزرگ می داشته باشد. تحولی که در افغانستان به وجود آمد، نه تنها کشور در عرصهء بازسازی تنها گذاشته شد بلکه دست هایی از منطقه و کشورهای بسیار دور خواستند در افغانستان بحران و تشنج ایجاد کنند، و نگذاشتند مردم طمع شیرین پیروزی را بچشند.

کسانی برای ایجاد فتنه و بحران از دور دست ها به افغانستان می آمدند و دست هایی وجود داشت که آن ها را تنظیم می کردند. اکنون جهان یک بخش کوچک از آنان را مبارزه با تروریسم نام می گذارد و برضد آنان همه نیرو و توان خود را بسیج می کند و انواع تکنولوژی و برنامه ریزی را به کار می بندد.

در جهان امروز یک فرهنگ سوفسطایی حاکم است، یک حقیقت را به گونه های مختلف تعبیر می کنند، جنگ حکمتیار و طالبان برضد دولت اسلامی جنگ داخلی می گویند و جنگ کنونی نیروهای خارجی با بقایای آنان را جنگ برضد تروریسم نام می نهند!

ما به این باور بودیم و هستیم که جنگ همیشه برضد دولت اسلامی از خارج بود، دلیلش هم همین که وقتی حمایت خارجی از حکمتیار قطع گردید ناگزیر شد به دولت اسلامی بپیوندد.

برخی فکر می کنند، اوضاع پس از موافقت نامهء بن در جهت مخالف آرمان ها و خواسته های مجاهدین سیر می کند شما چه می گویید؟

اکنون ما در وضعیتی قرار داریم که در مسیر مبهم سیر می کنیم، مردم فکر می کنند آن ارزش هایی که برای آنها قربانی دادند و مبارزه کردند مورد توجه نیست. نه بازسازی صورت گرفت و نه فقر زدایی تحقق یافت و نه ثبات و امنیت به وجود آمد، و این وضعیت قابل تشویش است.

حرکت ها تا زمانی که در جهت آرمان و ها و ارزش های ملت ها صورت نپذیرد، حرکت هایی غیر فطری است، و حرکت های غیر فطری مشکل آفرین است. کسانی که می خواهند تاریخ را از صفر آغاز کنند، اشتباه می کنند. نادیده گرفتن آرمان ها و تاریخ ملت ها مصیبت آور است. افراد و برنامه وقتی مفید هستند که در بستر آرمان و تاریخ ملت قرار بگیرند. دهقان وقتی تخمش را در زمین می کارد که صلاحیت زمین را بداند و الا در شوره زار تخم زدن سودی بار نمی آورد. اما کسانی که می خواهند یک بخش تاریخ را حذف کنند به دهقانی می مانند که در شوره زار می کارد.

در این روزها که در بحبوحهء فرا رسیدن هشتم ثور سالروز پیروزی جهاد قرار داریم در جبههء ملی که شما تشکیل کرده اید برخی از عناصر رژیم کمونیستی پیشین هم حضور دارند، این کار را بعضی ها تنازل شما از آرمان های جهاد می دانند، نظر شما چیست؟

بل برعکس اهداف و آرمان های جبههء ملی در تداوم رسالت بزرگ مجاهدین قرار دارد. مجاهدین می خواهند ملت بسازند و آنان داعیه و پیام دارند. مخاطب پیام مجاهدین همهء ملت است.

محتوای پیام جبههء ملی که در اهداف و مرامنامهء آن منعکس شده است، اسلامی است. در مادهء اول اهداف جبههء ملی تأکید شده است که جبهه خواهان تطبیق و رعایت اساسات و احکام اسلام است. کسی حق ندارد که دیگران را از پذیرفتن این پیام مانع شود و آن را منحصر به افرادی خاص بداند.

کسانی که عضویت آنان در جبهه مورد اعتراض عده یی است آنان اعضای پارلمان هستند در برنامه ریزی و قانونگذاری نقش دارند. آیا کسانی این اعتراض را دارند می توانند آنان را در پارلمان هم راه ندهند؟

ما همچنان باید به زندگی پیامبر صلی الله علیه و سلم توجه داشته باشیم، ایشان در مدینهء منوره با اهل کتاب با آن که آنان عضو تصمیم گیری و پارلمان نبودند به عنوان شهروندان عادی با آنان پیمان بستند که مشترکاً در دفاع از مدینه کار کنند.

این اعتراض ها را در این شرایط دو طایفه وارد می کنند یکی عناصری کم سواد و دیگری افراد وابطته به هسته هایی در حکومت. کسانی که می خواهند جنگ ها دوام کند و افغانستان گهوارهء بحران ها باشد.

ما بارها تأکید کرده ایم که با تدکید بر وحدت ملی باید این بحران ها را پایان داد و محور وحدت ملی ما ارزش های دینی ماست.

برخی می گویند مجاهدین چرا حضور بایسته داشته باشند، و با ضعف و ناتوانی یی که حکومت دارد حذف دیگران را در سر می پرورانند، وقتی می بینند مجاهدین بر اساس تعهدات ملی و دینی شان حرکت می کنند.

من یقین دارم که این غوغا ها به زودی فروکش خواهد کرد و بسیاری از کسانی که امروز این اعتراض ها را مطرح می کنند به زودی این واقعیت ها را خواهند فهمید و خواهند پذیرفت که جبههء ملی در راه درستی گام برداشته است.

استاد ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان در همایش تجلیل از ۲۲ حمل آغاز جهاد در ولایت بدخشان:

کشف گور دسته جمعی در بدخشان بیانگر جنایت رژیم مزدور اتحاد شوروی در کشور ماست

اشاره

استاد ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان در گردهمایی بزرگداشت از سالگرد آغاز جهاد در ولایت بدخشان اشتراک نموده و بیانیه یی ایراد نمودند که متن کامل آن نشر می شود.



الحمد الله رب العلمین والعاقبه للمتقین والصلاه والسلام علی سیدنا و مولانا محمد و آله و اصحبه اجمعین .اما بعد فأعوذ بالله من الشیطن الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوالله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و مابدلوا تبدیلا

برادران و خواهران

السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

در آغاز به روان پاک شهدای کشورمان به خصوص شهدای ولایت بدخشان، شهدای مظلومی که در دوره های مختلف جهاد دسته دسته جان های شیرین شان را در راه آزادی، استقلال، دفاع از دین، ناموس و ملت خود از دست دادند و در این روزها یک گور دسته جمعی آنها در شهر فیض آباد کشف شده است درود می فرستم. این گور دسته جمعی آنان شاهد این حقیقت است که جلادان بی رحم اتحاد شوروی در دوران اشغال شان شخصیت های فرهنگی و سیاسی این کشور، زنان، مردان، کودکان و جوانان را به حالت اسفناک و وحشتبار به شهادت رساندند. روح همهء این شهداء شاد باد و نفرین بر دشمنان این ملت و وطن که عامل چنین اعمال شوم و شرم آور شدند.

البته در گذشته ها معروف بود که بدخشانیان تنها علاقمند به شعر و ادب هستند اما این حقیقت را نادیده می گرفتند که مردم بدخشان، مردم فرهنگی، سیاسی و انسان های آگاه و دانشمند هستند و اگر آزادی و استقلال کشور شان در خطر بیفتد پیشتر از دیگران و در پیشاپیش مبارزات آزادی بخش کشور خویش قهرمانی هایی بی نظیر نشان می دهند.

جوانان، علماء و دانشمندان بدخشان قبل از آغاز جنگ در مکاتب، مدارس و پوهنتون ها با آگاهی عمیق از وضعیت افغانستان مبارزات سیاسی و فرهنگی خویش را در برابر متجاوزان اجیر و مزدوری که از بیرون هدایت می شدند، آغاز نمودند و نصرت و کمک خداوند را تکیه گاه خود قراردادند.

در اینجا می خواهم روی چند مطلب به صورت فشرده بحث کنم:

اول اینکه جهاد در فرهنگ دینی ما تنها ابزاری برای سرکوب یک گروه عصیانگر نیست بلکه، جهاد یک حرکت آزادی بخش، برای دفاع از حقوق مظلومین، نشر و پخش حقیقت، دفاع از از دین و فرهنگ و ارزش های انسانی است ما در این زمینه می توانیم دلایل فراوانی را ذکر نماییم. به گونهء مثال جوانی از پیامبر اکرم ص سوال کرد که آیا برای من اجازه میدهی تا به سنگر بروم؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم در جواب از وی سوال می کند که در خانه برای سرپرستی چه کسی را داری؟ جواب می دهد که تنها مادرم را.

رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید (ففیها جاهد) برو در خدمت مادرت جهاد کن که این خود جهاد بزرگ است.

همینگونه خداوند متعال درکتاب خود می فرماید: (وجاهدهم جهاداً کبیرا) شما با مخالفین جهاد بزرگ انجام دهید پس جهاد بزرگ کدام جهاد است؟ یقیناً اصلاح خود و اصلاح جامعه جهاد بزرگ است.

یکی از روزها اصحاب کرام از یک غزوه بر می گشتند، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: (رجعنا من الجهاد الأصغر الی الجهاد الأکبر) از جهاد کوچک به جهاد بزرگ برگشتیم. یعنی جهاد بدون سلاح بخشی از جهاد اکبر است که صورت می گیرد. جهاد اکبر، خدمت به اسلام، انسان و انسانیت، اصلاح ضمیر و خدمت برای بندگان محروم است.

اگر جهاد برای کشور گشایی می شد، مسلمانان هرگز نمی توانستند سرزمین های دیگران را فتح کنند و تحت تسلط خود بیاورند. آیا می شد که در ربع یک قرن از اندلس تا سینکیانگ چین دین اسلام پخش شود و تمام این سرزمین های پهناور به اسلام گردند نهد؟ این ها همه بیانگر این حقیقت است که از طریق دعوت و دفاع از مردم **ادامه در ص۷**

درخت های عزیزی به نام آزادی

عبدالقهار عاصی

تو آمدی و شب و روز تازه یی آمد
تو آمدی و شب و روز انتظار شکست
هزار ساله زمستانیان مزرعه ام
جوانه بار آورد
درخت خانه، همسایه در شگوفه نشست
زباد بیزه، دامانت آسمان پر شد
به کهکشان کشدم جلوه های سرخ تنت
چراغ من
چقدر نازک است پیرهنت
بخیر باد قدم های سبز بارانیت
ولی
تو تا ترانه بخوانی بهار می گذرد
تو تا شگوفه کنی
بته زار خواهد شد
مزار من
وطن خواب های زرینم
تو تا به رقص بر آیی و آتش افروزی
مرا و عشق مرا، کوچیان جلگه نشین
درو گران غریب
برای خاطره، بازگشت و سنبله ها
به ملک های جدایی
ترانه می سازند
تو تا به هلهله از مرغزار بر گذری
ترا و عشق ترا دختران بالا ده
برای شام تماشایی قیامت کوچ
فسانه های ترا کوچیانه می سازند
به گرد خرمنت ای نازنین بود آیا
خرابتر از پیش
سروده های تو دیوان را خراب کند
به چشم های تو دیوانه خواب می بیند
دوباره رستن سبزینه های باکره را
شنیده است که آنجا
- به چشم های تو -
بنوشته اند آیاتی
که این تسمم باروتی از مزارع را
چگونه باید رفت
شنیده است که آنجا
به چشم های تو
نشانده اند
فصلی چند
درخت های عزیزی به نام آزادی
از آن سبب همه عشق
فراز گردنه، ده درخت و دیوانه
برای جنگل فریادی تو می رقصد
از آن سبب همه سبز
فراز گردنه، ده
درخت و دیوانه
به پیشواز تو و مرگ خویش
می خوانند
اینچنین
ترسم آن دختر را
هیولا به پس سد سکندر ببرد
ترسم آن خرمن را
به چپاول گیرند
ترسم آن آیینه را جیوه گران
با صدایی دیگر
از شکستی دیگر
جیوه کنند
اینچنین تنگ که شب
می فشارد در بر
ترسم آن نور چراغ
که مرا
از سر کوچه به بازار گره می بندد
نقش بر سایه شود
اینچنین سرد که شب
از برخانه، من می گذرد

مرغ اسیر دل

محمد کریم اندیشمند

ای مرغ اسیر دل پر واکن و بالا خیز
از خواب گران شب دل پر زتمنا خیز
موجود شب آهنگی پر ساز و پر از چنگی
بردار و بزن زنگی بر دامن فردا خیز
از باد جنون پیشه گلزار خود آگه کن
از دامن گل هایت بر دامن خارا خیز
گردون ستم خو را با گریه مسازش شاد
چو کوه به دل دردت بگذار و فلک سا خیز
از باد فسون دوش خاطر مکن آزرده
مستانه چو گل هر جا از گلکده بویا خیز
با تیشهء فرهادین کوه را به فغان آور
با دغدغهء مجنون بر جانب صحرا خیز
از قصهء "اندیشمند" بسیار شدی دلتنگ
ای خامه زکلک او شوریده به سودا خیز

کله منار

سید فضل الله قدسی

شهر، زخود تهی مکن، فاطمه خوار می شود
جمجمهء غرور ما، کله منار می شود
باغچه های شــهر را باز اگر رها کنی
هرچه درخت کاشتی، چوبهء دار می شود
گریهء شوق می کنم این که به عرصه باز هم
خشم هزار ساله ات دست به کار می شود
آن که به کاروان ما امر سکوت می دهد
مرکب بخت خویش را چپه سوار می شود
باز نیاورد خدا فاجعه ای که بنگرم
دست در آستین ما، یک شبه مار می شود

سیری در قلمرو ادب حماسی

به ادامه بحث پیرامون (نقش دعا درپیروزی جهاد ومقاومت)

بخش ششم

عبدالقیوم ملکزاد

اوقات وجایگاه های نیایش

زمـان هـای بـه جـا آوردن دعـا ، بـه دو گونـه تقسیم گردیده اند: متعین و غیر متعین!

زمـان هـای متعـین از جانـب شـارع تعیـین مـی گـردد. مثـل اوقـات نمازهـای پنجگانـه، ادای مراسـم حـج، گـرفتن روزه در سـی روز مـاه مبـارک رمضـان و...!

زمـان هـای نـامتعین و نسـبی، عبارتنـد از: بلنـد کـردن دسـت دعـا در هـر فرصـت و سـاعت و لحظـه یی از شب و روز و اینهـا منـوط بـه حـوادث پیرامـون و یا وابسته به اعمال شخصی نیایشگران است!

فلهـذا، "کوتـاه تـرین اندیشـه یـی کـه در مغـز خطـور مـی کنـد و یـا درخواسـتی کـه پنهـانی از ذهـن آدمی می گـذرد، مـی توانـد انسـان را دربرابـر خـدا قـرار دهد؛ در ایـن صـورت بـرای یـافتن هـر راهـی ازنیـایش می توان الهام گرفت".

ایـن کـه بـرای نیـایش، اوقـات و روزهـایی متعـین گردیده، به دلیل فضیلت همـان روز هـا مـی باشـد کـه حاوی صفا و پاکی است و بـه قـول شـاعر: "هرجـا کـه صفاست در آن نور خداست".

مـثلاً روزهـای عرفـه و وقـوف در آن ــ کـه حـج بـدون آن تکمیـل نمـی شـود - و ایـن دارای فضـایلی است کـه حجـاج بیـت الله الحـرام از آن برخـوردار مـی گردنـد و خـدا در آن روز بـه ملایکـه مـی فرمایـد: "بـه بنـدگانم نگـاه کنیـد کـه چگونـه از اطـراف عـالم بـا تحمـل شـداید ومشـقات بـه اینجـا آمـده انـد! آیـا مـی دانیـد ک ایـن هـا از مـن چـه مـی خواهنـد؟ ملایکـه پاسخ می دهند:

درخواسـت مغفـرت و آمـرزش و بخشـش ! خـدا می فرماید: "گواه باشیدکه من آنها را بخشیدم."

ایام مـاه پـر برکـت صـیام، - کـه مسـلمانان همـه ساله یک ماه را مهمـان خـدا مـی باشـند- یکـی دیگـر از اوقات ویا زمـان هـای متعـین مـی باشـد و همچنـان روز های جمعه، کـه سـعادت دسـتیابی آن در هـر هفتـه یکبار بر مسلمان میسر می شود!

همینگونـه از اوقـات متعینـی کـه بـرای نیـایش تثبیـت گردیـده، عبـارت اسـت از راز و نیـاز کـردن پـی نمازهـای فـرض، بـالاخص سـحرگاهان! و در روایـاتی مشخص شـده اسـت کـه دعـا در اوقـات و زمـان هـای زیر بهتر و مناسب تر می باشد و آنها عبارتند از:

نیایش میان وقفهء اذان و اقامت
هنگام سجده در نماز

هنگـام بانـک خـروس، هـدایتی کـه از پیـامبر بزرگـوار اسـلام در ایـن رابطـه صـادر شـده، ایـن اسـت: "هنگامی کـه بانـک خـروس را شـنیدید، طالـب فضـل و احسان خدا شـوید. چـون او در آن هنگـام فرشـته یـی را دیـده اسـت و هنگـامی کـه آواز خـر را شـنیدید، بـه سـوی خـدا پنـاه ببریـد، زیـرا آ ن خـر شـیطان را دیـده اسـت." (ایـن حـدیث شـریف در صـحیح بخـاری و صحیح مسلم وارد شده است)

شرح این واقعه را مرغ سحر داند و بس
تو چه دانی که شب سوختگان چون گذرد

راجـع بـه دعـای شـب، رسـول اکـرم "صـلی الله علیه وسلم" فرموده اند:

"درشـب سـاعتی وجـود دارد کـه اگـر بنـده یـی مسـلمان بـا او مصـادف شـود و از الله تعـالی درآن خیری بطلبد، چه از امـور دنیـا و چـه از امـور آخـرت، الله تعـالی آن را مـی دهـد و آن سـاعت در همـه شـب هاست " (صحیح المسلم)

برخیز که عاشقان به شب راز کنند
گرد در و بام دوسـت پرواز کنند
هر در کـه بود فراز بر خود بندند
الا در دوست را کـه شب بـاز کنند

درحدیت دیگری از امـام بخـاری کـه بـه او انسـان مؤمن به دعا کردن ترغیب شـده توجـه مـی کنـیم، کـه آن را حضـرت ابـو هریـره "رضـی الله عنـه" روایـت کرده است:

"پرودگار هرشـب درآسـمان دنیـا فـرود مـی آیـد. درآن وقت که ثلث اخیر شـب بـاقی بمانـد، مـی گویـد : کیست که به من دعـا کنـد و اجابـت کـنم، کیسـت کـه از من سـوالی کنـد بـرایش بـدهم وکیسـت کـه از مـن طلب مغفرت کند برایش مغفرت کنم."

بـر مـومن اسـت تـا حـلاوت عبـادت خـالص در شـب و رازگـویی بـا خداونـد عالمیـان را دریابـد. زیـرا شـب فرصـتی مناسـب تـر بـرای عبـادت عـاری از ریاسـت. چنانچـه قـرآن عظـیم الشـان مـی‌فرمایـد: (ان ناشـئة اللّیـل هـی اشـدّ وطـأ و أقـوم قـیلا) پـس فقـط صـاحبان خلـوص و عاشـقان عبـادت خـدا، شـیرینی راز و نیاز با او را در می یابند.

هرگـاه مـا بـه توضـیح هـر یکـی از مسـایل فـوق بپردازیم، بحث مـا بـه درازا مـی کشـد. پـس بایسـت بـا اختصـار بحـث را پیگیـری نمـاییم. بنـاءً بـا اتکـا بـه تعلیمات قرآنی بـه فضـیلت جمعـه و هکـذا سـحر اشـاره می کنیم و بعد به توضیح اماکن دعا می پردازیم:

در سورهء مبارکـه یوسـف نکتـهء ظریفـی راجـع بـه دعای حضرت یعقوب علیـه السـلام آمـده اسـت کـه آن حضـرت بعـد از آنکـه بزرگوارانـه از خطـای فرزنـدان خود ــ کـه بـا حـالتی نـادم و شرمسـار از پـدر تقاضـای عفـو و بخشـش را کردنـد ــ اغمـاض مـی فرمایـد و در برابر تقاضای آنان وعـده مـی سـپارد تـا در حـق آنهـا از بارگاه خدا طلب آمرزش کند.

برخـی از تفاسـیر مـی نویسـند: ایـن وعـده چنـین توجیه شـده اسـت کـه حضـرت یعقـوب علیـه ا لسـلام می خواسـت در وقـت اجابـت دعـا بـرای شـان اسـتغفار کنـد. در روایتـی از رسـول اکـرم صـلی الله علیـه وسـلم آمده است:

"این کـه بـرادرم یعقـوب (ع) بـه فرزنـدان خـود گفـت: بـه زودی بـرای تـان از پروردگـارم طلـب مغفـرت مـی کـنم؛ منظـورش ایـن بـود کـه شـب جمعـه فرابرسـد" و در روایتـی دیگر فرموده انـد: "منظـورش هنگـام سـحر بـوده اسـت. چـون دعای سحر مستجاب است."

بـا ایـن اشـاره در مـی یـابیم کـه بهتـرین فرصـت و زمـان نیایش در هنگام سحر به دست مـی آیـد. خوشـا بـه حـال آنـانی که از این فضیلت همـواره قلـب هـای شـان را صـیقل بخشـیده اند و در خلوت آن خاشـعانه و بـا کمـال فروتنـی بـه درگـاه خـدا اشـک ریختـه انـد. اینهـا همـه بـرای مـا درس هـای بزرگـی اسـت. آری، درس هـایی آموزنـده کـه اتفاقـاً نتـایج آن طـوری محسوس بـوده اسـت کـه در دوران و اوقـات مملـو از اخـلاص و صـفا، کـه از آن جملـه جهـاد در راه خداسـت، عملـی کـه پس از انجام دعا و نیـایش و عـذر و زاری بـه درگـاه خـدا انجـام پذیرفته است، مجاهـدین از آن بـه نتـایجی دسـت یافتـه انـد. در ایـن زمینـه، در بحـث مربـوط بـه آن إن شـاء الله تمـاس بیشتری خواهیم گرفت.

حال بیاییم برسـر ایـن مسـأله، کـه امـاکن و جایگـاه هـای بهتر و مناسب تر برای دعا ها کدام اند؟

مسـاجد، بـه دلیـل برخـورداری از فضـایل بـه عنـوان جاهای محبوب خـدا بـرای نیـایش نـام بـرده شـده انـد. مسـلماً در میـان مسـاجد و عبادتگـاه هـا، درجـات و مراتبـی وجـود دارد کـه کعبـهء مشـرفه بـه حیـث قبلـهء مسـلمانان دارای فضـیلتی بزرگ برای ادای عبادت و نیایش و راز و نیاز است.

همچنان مسجد النبـی صـلی الله علیـه وآلـه وسـلم اسـت کـه نسـبت بـه سـایر مسـاجد از فضـیلت و برتـری خاصـی برخوردار می باشد.

هرگـاه دعاهـا درفضـای آگنـده از عطـر خلوصـی کـه سـکوت و خلـوت در آن حکمفرمـا باشـد، نسـبت بـه جاهـایی کـه مملـو از همهمـه و ازدحامنـد، بیشـتر دارای تـأثیرات خاصـی می باشد. زیـرا انجـام دعـا در امـاکن خلـوت، آداب بهتـری را در قبال می داشته مـی باشـد و زمینـهء تقویـت نیـروی سـنجش و تشخیص را بهتر و خوبتر آماده می گرداند.

مپندار از آن در که هرگز ببست
که نومید گردد برآورده دست
همه طاعت آرند و مسکین نیاز
بیا تا به درگاه مسکین نواز
چو شاخ برهنه برآریم دست
که بی برگ ازاین بیش نتوان نشست

ادامه دارد

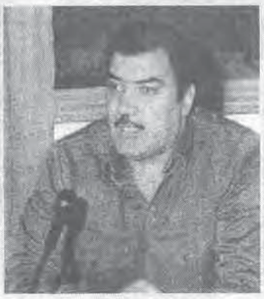
کارنامهء حکومت حزب دموکراتیک

عبدالمعین شاهد


نورمحمد تره کی


حفیظ الله امین


ببرک کارمل


دکتر نجیب الله

حکومت حزب دموکراتیک خلق بعد از ۱۴ سال حاکمیت در هشت ثور ۱۳۷۱ با پیروزی مجاهدین سقوط نمود، اکنون که ازآن زمان ۱۵ سال می گذرد و ما تحولات دیگری را پشت سرگذاشته ایم، غبارهای برخاسته از جنگ و ویرانی های ناشی از آن حوادث فرونشسته و ما می توانیم رخدادها و وقایع آن زمان را بادید بازتر نگاه کنیم، این تجربهء خونین حاکمیت حزب دموکراتیک که با بهای سنگین به دست آمد باید به صورت همه جانبه مطالعه نمود و در ساختن آینده درس های آموخته از آن مورد توجه قرارگیرد من در موضوع کارنامه های حاکمیت حزب دموکراتیک به چند مطلب اشاره می نمایم.

دعوت ارتش سرخ به افغانستان و همکاری با اشغالگران شوروی

حزب دموکراتیک از همان آغاز تأسیس رویکرد تبعیت از اتحاد شوروی را در پیش گرفت و بدون چون و چرا از موضع گیری های اتحاد شوروی در مسایل بین المللی و حتی در رقابت شوروی با چین کمونیست حمایت می نمود. میان حزب دموکراتیک و حزب کمونست اتحاد شوروی رابطهء نزدیکی وجود داشت و در پیروزی کودتای هفت ثور مشاورین و متخصیصین اتحاد شوروی مستقردر افغانستان، نقش مهمی ایفا نمودند و بلافاصله رژیم کودتایی از طرف اتحاد شوروی به رسمیت شناخت شد. اتحاد شوروی با سرعت اقدام به تقویت نیروهای نظامی رژیم نمود و با خیزش قیام های مردمی درگوشه و کنار کشور، میزان این کمک ها افزایش یافت. با وجود کمک های تسلیحاتی و کمک متخصصین اتحاد شوروی به حکومت حزب دموکراتیک، رژیم قادر نشد قیام ها را مهار سازد. بناءً رهبران حزب مصرانه از اتحاد شوروی تقاضا نمودند تا نیروهای خویش را در خاک افغانستان پیاده نماید. این تقاضا در صحبت تلفونی تره کی با کاسگین نخست وزیر اتحاد شوروی درحوت ۱۳۵۷ مطرح گردید، در زمان رژیم امین نیز چنین اصراری از اتحاد شوروی به عمل آمد، تا آن که اتحاد شوروی در۶ جدی ۱۳۵۸ کشور ما را به اشغال خویش در آورد و با کشتن امین که اعتماد فراوانی به روس ها داشت و محافظین و آشپزهای خویش را از مأموران کا گی بی برگزیده بود به قتل رسید و به جای آن ببرک کارمل به کرسی قدرت نشانده شد. سربازان اتحاد شوروی در افغانستان دست به ویرانی وکشتارهای وسیعی زدند و قسمت عمدهء کشورما را به ویرانه تبدیل نمودند. همکاری با ارتش اشغالگر اتحاد شوروی یکی ازکارنامه های ننگین حزب دموکراتیک است. برخی از شخصیت ها و جناح های حزب دموکراتیک ادعا دارند که با آمدن روسها موافق نبودند اما، این لکه به آسانی از دامن هیچ خلقی زدودنی نیست. همکاری با نیروهای خارجی و تکیه با آنها درکشورما سابقهء طولانی دارد، اما این تجربه هر بار برای مردم افغانستان فاجعه به وجود آورده اما به زودی قابل درک نبوده است.

برقراری اختناق و حشونت بی پایان

برقراری یک رژیم خودکامه و برقراری اختناق، خشونت و استبداد مهمترین پی امد کودتای هفت ثور بود، رژیم خلقی در مبارزه با مجاهدین وگروه های مقاومت دست به بمباران های وحشیانه بر مناطق مسکونی زد، درنتیجهء آن روستاها و شهرهای زیادی به خاک یکسان گردیدند. دومیلیون کشته، یک میلیون معلول، پنج میلیون مهاجر در خارج و یک میلیون مهاجر داخلی، رقم درشت نتایج خشونت های حکومت حزب دموکراتیک بود. در رژیم خلقی هیچ نوع ارزشی به حقوق انسان وجود نداشت، مأموران ملکی و نظامی اعضای حزب در ولایات و محلات، صلاحیت داشتند بدون محاکمه و در نظرگرفتن کوچکترین معیارهای انسانی دست به کشتار مخالفین بزنند. زندانی کردن و اعدام های دسته جمعی علما و طلبه های دینی، اعضای گروه های اسلامی در میان مأمورین، معلمین، محصلین و حتی متعلمین مکاتب با بی رحمی تمام عملی می گردید، گروه های چپی و حتی جناح های حزب نیز از سرکوب و خشونت در امان نماندند. گستردگی زندانی ساختن و اعدامها غیر قابل باور بود، هزاران انسان در گورهای گروهی مدفون شدند. بعد از قتل تره کی توسط امین، وی به منظور جلب مشروعیت برای رژیم خود و افگندن مسؤولیت به دوش تره کی، فهرست ۱۲ هزار زندانی سیاسی را منتشر کرد که در دوران یک سال حاکمیت خلقی ها، در کابل سر به نیست شدند، کشف گورهای دسته جمعی که آخرین آن یک گور ۴۰۰ نفری در شهر فیض آباد است نمونهء گویای این کشتارهای دسته جمعی می باشد.

خشونت های بی حد و حصر دستگاه حاکم، موجب واکنش های در صفوف مخالفین نیز گردید، در برخی جبهات جهادی قتل های صورت می گرفت که در آن حقوق قربانیان رعایت نمی شد و در جنگ های میان گروهی مجاهدین تلفاتی زیادی به میان آمد. مولوی حقانی هنگام تصرف خوست فلمی را نمایش داد که عدهء به اتهام همکاری با دولت اعدام می گردیدند، گزارشهایی وجود داشت که در آن جا اسیران کشته شدند، در یک مورد در سال ۱۳۶۸، عده یی از قومندانان جمعیت اسلامی در ولایت تخار ، بدون محاکمه ازطرف افراد حزب اسلامی حکمتیار اعدام گردیدند.

اما جبهاتی هم بودند که با افراد وابسته به دشمن و حتی عساکر اتحاد شوروی رویهء انسانی و جوانمردانه می نمودند، عده یی از عساکر دستگیر شده در پنجشیر و هرات در نتیجهء برخورد اسلامی و انسانی مجاهدین، مسلمان شدند و حتی در جهاد علیه شوروی ها شرکت کردند.

عطش انحصارگرایی و دیگر ستیزی

حزب دموکراتیک خلق با پیروی از گرایش تمامیت خواهانه و انحصارگرایانهء احزاب کمونیستی، امکان فعالیت سیاسی را از میان برد، در آن زمان وابستگی سیاسی به غیر از حزب دموکراتیک جرم نابخشودنی تلقی می گردید، حتی گروه های چپی مانند شعله و ستم ملی از طرف خلقی ها شدیداً سرکوب شدند، یکه تازی حزب، دیگر اندیشی درون حزبی را نیزتحمل نکرد و تصفیه های خونین در میان جناح های خلق و پرچم حزب دموکراتیک صورت گرفت. حرص تصاحب همه قدرت، سیاست فعالین و رهبران حزب دموکراتیک بود، در این میان حفیظ الله امین با پیروی از روشهای استالینی بیش از دیگران در اندیشهء انحصارکامل قدرت افتید، وی اقدام به کنار زدن جناح پرچم نمود و رهبران آن ها را یا به زندان افگند و یا تبعید نمود ... امین با استفاده از حماقت تره کی نقشه های خود را در کنار زدن جناح پرچم و رقبای خلق، توسط او عملی ساخت. در قدم دوم، باکنار زدن استاد و رهبر خود تره کی و دیگر فعالین خلقی، همه قدرت حزبی و دولتی را در چنگ خویش گرفت.

حزب دمکراتیک خلق در پالیسی کادری و مدیریتی خود انحصار طلبی شدید داشت، و عناصر غیر حزبی را دشمن تلقی می کرد و در صدد برکناری و حتی نابودی آنها بود. با تأسیس حکومت خلقی، پروسهء پاکسازی ادارات حکومتی از وجود افراد غیرخلقی آغاز گردید، مسؤولین ادارات حتی تا سطح مدیریت های ابتدایی از میان اعضای حزب دمکراتیک خلق نصب گردیدند. معلمین و مأمورین پایین رتبه که هیچ نوع دانش و تجربهء کاری نداشتند به جای مدیران نسبتاً باتجربهء حکومت داود خان مسؤولیت ادارات را در دست گرفتند.

ستیزه با دین و بی اعتنایی به سنت های اجتماعی

حزب دموکراتیک که بر شالودهء افکار و اندیشه های ماتریالیستی پی ریزی گردید و از همان آوان تأسیس، به ترویج این اندیشه ها پرداخت، جراید خلق و پرچم عکس های مارکس و لینین را به چاپ می رساندند و به آنها درود می گفتند، این حزب نقش کارکردی دین را نادیده گرفت، به ساختارهای سنتی بی توجهی نمود، از این جهت در میان مردم به عنوان یک جریان غیری دینی شهرت یافت. برپایی محافل باده گساری و رقص زنان به صورت آشکار، تطبیق برنامهء سواد آموزی زنان که با جبر و زور همراه بود و شایعاتی که در این زمینه ایجاد گردید، بدبینی شدیدی در میان مردم به وجود آورد، از میان بردن مصؤونیت ملکیت خصوصی با توزیع زمین و لغو قروض، مصادرهء املاک و دارایی ها، از میان بردن مهریهء زنان، از نگاه مردم، تطبیق جامعه سوسیالسیتی تلقی شد. در ایجاد اندیشهء ضدیت با کمونیسم در جامعهء افغانستان، کارکرد عساکر اشغالگر روسیهء تزاری و اقدامات خشونت آمیز رژیم بلشویکی در آسیای میانه تأثیر مهم داشت، در جریان آن رویدادها صدها هزار شهروند آسیای میانه که روابط فرهنگی، تاریخی و دینی و زبانی با مردم افغانستان داشتند به کشورما مهاجرت نمودند و این داستانهای اسفناک در افغانستان توسط آنها انتشار یافت. اگرچه رهبران خلق گاه گاهی با ریا کارای می گفتند به دین احترام قایلند اما، مردم این سخنان را نمی توانستند باور کنند و بعداً که دکترنجیب تلاش کرد چهرهء اسلامی از حکومت خود ارائه نمایند، دست به ساختن مساجد در کابل زد، دانشگاه تعلیمات اسلامی ساخت و آیاتی از قرآن و احادیث پیامبر را حفظ کرد و آن را در سخنرانی های خویش می خواند، هیچ گونه تأثیری در زدودن سیمای کمونیستی حزب خلق به جا نگذاشت.

سرنگونی جمهوری داوود خان وکسب قدرت از طریق کودتا

حرب دموکراتیک بعد ازپیروزی کودتای هفت ثور و مدتها بعد ازآن، از این حادثه با عناوین انقلاب کبیرثور، انقلاب زحمتکشان و... ادعای آوردن مهمترین تحول مثبت در تاریخ افغانستان را داشت. بعد از سرنگونی حاکمیت حزب دموکراتیک، بازماندگان این حزب، سقوط رژیم داوود خان و کودتای هفت ثور را به عنوان تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی - سیاسی افغانستان، مهمترین میراث مثبت این کودتا می شمارند، اما در حقیقت رژیم شاهی و حاکمیت خاندانی با کودتای داوود خان از میان رفته بود و در جمهوری داوود خان جز سردار محمد نعیم برادرش، فرد برجستهء دیگری از خاندان شاه سابق عضویت نداشت، اما اگر بپذیریم که این حزب دموکراتیک خلق بود که به نظام شاهی و حاکمیت خاندان آل یحیا نقطهء پایان گذاشت، دشوار است باورکرد که آنچه این حزب به عنوان جای گزین نظام گذشته ارایه نمود واقعاً تغییر اساسی در ساختار سیاسی افغانستان بوده است. واقعیت آن است که در نتیجهء پیروزی کودتای ثور، قدرت از یک خانواده به یک گروه خاص منتقل شد. گروهی که هیچ نوع سیاست و اندیشهء متفاوتی را بر نمی تابید. حزب دموکراتیک برخلاف ادعای از میان برداشتن حاکمیت خاندانی و شعارهای جهانگرایی کمونیستی و کارگری نتوانست پایش را از لجنزار گرایش های قبیله یی به درآرد. این گرایش ها نقش عمده در جناح بندی و پارتی بازی های این حزب بازی کرد. جناح های خلق و پرچم به امتداد خط های قومی شکل یافته بودند. چنانچه جناح خلق که نگرش های فاشیستی برتری جوی های قبیله یی داشت عمدتا از عناصر پشتون تشکیل گردیده بود و جناح پرچم عمدتاً از عناصر تاجیک تشکیل شده بود.

این سؤال نیزقابل درنگ است که، جا به جایی، جمهوری داوود خان که حداقل برای توسعه و نوسازی افغانستان طرحهای وسیع در دست اجرا داشت و با جدیت پیگیری می شد، با رژیم حزب دموکراتیک خلق که، همهء آن طرح ها را نا تمام گذاشت، یک تحول مثبت بود؟ فکرمی شود اکنون کسی به این سؤال پاسخ مثبت نخواهد داد .

اصلاحات درحزب دموکراتیک خلق و حکومت به رهبری آن

حزب دموکراتیک خلق در زمان حکومت دکترنجیب الله به آوردن اصلاحات آمادگی نشان داد، تغییر نام و اساسنامه و خط مشی حزب، تلاش برای زدودن رنگ کمونیستی از چهرهء حزب، اصلاحات در نظام سیاسی افغانستان و پایان دادن به انحصار قدرت توسط حزب دموکراتیک، حمایت خصوصی سازی و مصؤونیت ملکیت شخصی، فعالیت های سیاسی و آزادی بیان از این جمله بود، اما این اصلاحات با چند چالش و دشواری اساسی همراه بود، اصلاحات یاد شده محتاطانه و ناکافی بود. زمان به سود حزب دموکراتیک خلق نبود، از نگاه اندیشه و رفتارهای سازمانی، گرایش های قبیله سالاری و نگرشهای سیاسی این حزب قدرت تطبیق چنین اصلاحات و نوسازی را نداشت، چون اساساً آنچه به عنوان حکومت حزب دموکراتیک خوانده می شود، کاپی برداری از تجربه انحصارگرایانهء حکومت های کمونیستی در اتحاد شوروی وکشورهای اروپای شرقی بود که، ناکار آمدی آن مسلم بود و پروستوریکا و گلاسنوس گورباچوف در اتحاد شوروی، نتوانست آن را از فروپاشی نجات دهد. در افغانستان نیز ناگزیر چنین سرنوشتی در راه بود.

دکترنجیب الله می خواست سیاست های حزب دموکراتیک خلق که، عمدهء آن در فرمان های عجولانهء تره کی انعکاس یافته بود، ترمیم و اصلاح سازد، اما این سیاست ها باید دستخوش تغییر اساسی می شد آنچه که حزب امکانات و استعداد کافی برای این کار در اختیار نداشت.

بهایی که جنبش چپ برای کودتای ثور پرداخت

دست زدن به کودتا از طرف حزب دموکراتیک خلق اشتباهی بزرگ بود که، بهای سنگین آن را مردم افغانستان پرداخت، اعضای حزب. جنبش چپ در افغانستان و اتحاد شوروی نیز از عواقب فاجعه بار این کودتا در امان نماندند، چنانچه گورباچوف رهبر اتحاد شوروی آن را زخم ناسور برای کشور خویش توصیف نمود، پیروزی کودتای حزب دموکراتیک که آن را انقلاب کبیرثور می نامیدند و کارکردهای این رژیم در عرصهء حاکمیت، منجر به بی ثباتی و بحران گسترده شد که بی اعتباری کامل جنبش های چپ را فراهم نمود و درعرصهء بین المللی، ضربهء سنگین اقتصادی و سیاسی بر اتحاد شوروی وارد شد، درسازمان ملل سالانه کشورهایی که به محکومیت اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی رأی موافق می دادند. رو به افزایش بود و به ۱۲۴ کشور رسید، اتحاد شوروی ده ها میلیارد دلار زیان های اقتصادی دید و با واردشدن تلفات سنگین انسانی و مالی ، طلسم شکست ناپذیری ارتش سرخ از میان رفت. با چنین پی آمدهایی روند فروپاشی اتحاد شوروی و بلوک شرق تسریع گردید.

خشونت های خلقی ها دامنه های جهاد را گسترده ساخت

سیاستهای حزب دموکراتیک خلق مخالفت هایی فراوان را در جامعهء افغانستان به وجود آورد. این حزب سرکوبی های خشونت آمیزی را علیه ضد حزبی ها، غیرحزبی ها و حتی حزبی ها به راه انداخت. گروه های اسلامی، علما و روحانیون، ملی گراها، زمین داران و فیودالها، سرمایه داران و حتی گروه های چپی و همه اقشار جامعه هدف سرکوب خلقی ها قرارگرفتند. در آن زمان و سال ها بعد از آن در میان مردم افغانستان اجماع نظر وجودداشت که باید در برابر چنین رژیم تمامیت خواه، سرکوبگر و دنباله رو اتحاد شوروی مقاومت صورت گیرد و از هرتلاشی برای سرنگونی آن حمایت شود، درخارج افغانستان، درمیان کشورهای همسایه، اسلامی و جامعهء جهانی، جهاد افغانستان به عنوان یک مبارزهء مشروع و بر حق شناخته شد و مورد حمایت قرارداشت. در چنین فضایی مجاهدین با تحمل قربانی زیاد، برای پایان دادن به حاکمیت درد ناک حزب دموکراتیک و رهایی کشور از اشغال اتحاد شوروی به مقاومت ادامه دادند تا آن که در ۸ ثور۱۳۷۱ با سقوط رژیم نجیب به پیروزی رسیدند. سقوط رژیم حزب دموکراتیک خلق و پیروزی مجاهدین یک آرمان فراگیر ملی و یک خواست جهانی بود که تحقق یافت. اما آنچه که بعداً واقع شد داستان دیگر دارد که در فرصت دیگر باید ارزیابی گردد.

برگهایی از تاریخ

کودتای ثور و اتحاد شوروی

محمداکرام اندیشمند

یکی از موضوعات مهم وقابل بررسی در کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ نقش شوروی و ارگانهای قدرت آن چون کی. جی. بی و استخبارات نظامی شوروی (جی. آر. یو) در کودتا است. آیا شوروی ها در کودتای ثور دخالت داشتند؟ ارتباط حفیظ الله امین قوماندان کودتا با شوروی ها چگونه بود؟ آیا او بخش نظامی جناح خلق را بدور از دید و آگاهی کی. جی. بی و جی.آر.یو(سازمان استخبارات ارتش سرخ شوروی) رهبری وسازماندهی میکرد؟

درحالیکه بسیاری از نویسندگان و محققین داخلی وخارجی از عدم دخالت ومشارکت شوروی در کودتای ثور سخن می گویند، اتشهٔ نظامی سفارت هندوستان در کابل، به همکاری مشاورین تکنیشن شوروی در فرودگاه بگرام با کودتاچیان اشاره می کند. سلیک هریسن نویسنده ومحقق افغانستان شناس امریکایی ازقول اتشهٔ نظامی سفارت هندوستان می گوید :« دگروال مدهو سمیران که در آنوقت آتشهٔ نظامی هند در کابل بود و با افسران قوای هوایی ارتباط وسیع داشت به من گفت: قادر سازمان استخبارات نظامی اتحاد شوروی را از پلان امین مطلع ساخته بود اما دستور اشتراک در کودتا را بدست نیاورده بود. دگروال سمیران میگوید که دراوایل سال ۱۹۷۸ میلادی ۳۵۰ تن مشاور وتکنیشن شوروی درکابل موجود بوده که تعداد زیاد از آنها درمیدان هوایی بگرام وکابل در سیستم موشک های ضد طیّاره وکنترول خط پرواز مصروف کاربودند. نامبرده براین نکته تأکید می ورزد که بدون کمک تکنیشن های شوروی شاید به قوای هوایی خیلی مشکل می بود که بروز ۲۷ اپریل فعالیت میکرد. سمیران میگوید که قادر مجبور بود که اشتراک خویش را در کودتا تابدست آوردن موافقهٔ مشاورین شوروی به تعویق اندازد. مشاورین شوروی درمدت اندک قبل از آغاز کوتا باید تصمیم میگرفتند. اما ازمسکو خیلی به موقع هدایت بدست آوردند که با کودتا کمک نمایند.» مشاور شوروی درکمیتهٔ مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان "یوری کوزنتس" در حالیکه هرگونه دخالت مسکو را در کودتا رد میکند، ولی از اطلاع قبلی مامورین استخبارات شوروی صحبت بعمل می آورد :« هرکس فکر می کند دراین واقعه (کودتای ثور) دست مسکو وجود داشته است سخت در اشتباه است. یکی از دوستان من که در آن زمان درکابل کار میکرد می گفت این انقلاب برای طرف شوروی تا بدانجا غیر منتظره بود که حتی سفیر تا مدتی جرأت نمیکرد که خبر وقوع انقلاب را به مسکو ارسال نماید. مامورین اطلاعاتی ما از جزئیات بیشتری با خبر بودند، هرچند برای آنها نیز غیر مترقبه بود.»



نیروهای اشغالگر شوروی در حال خروج از افغانستان در سال ۱۳٦۸ برگرفته از سایت اینترنتی www. worldnews.about.com

هرچند مشاور سیاسی گماشته شده از سوی مسکو به کمیتهٔ مرکزی حزب دمکراتیک خلق در کابل دست مسکو را در کودتای ثور دخیل نمی داند اما به آگاهی مامورین اطلاعاتی شوروی از جزئیات کودتا اشاره واعتراف می کند. مسلماً مامورین اطلاعاتی، عمال کی. جی .بی و استخبارات ارتش شوروی (جی. آر. یو G.R.U) بودند که سر وکار شان با رهبران حزب دمکراتیک خلق و نظامیان این حزب بود. چگونه می توان باور کرد که افسران خلقی وپرچمی که با کی. جی .بی و جی.آر.یو در ارتباط بودند این کودتا را بدون آگاهی و استیذان مشاورین شوروی در قطعات خود انجام داده باشند؟ مشاورینی که بسیاری از آنها عضو کی. جی . بی و استخبارات ارتش شوروی (جی. آر. یو) بودند. آیا دگروال عبدالقادر که قوای هوایی را در کودتای ثور ۱۳۵۷ فرماندهی کرد و نقش بسیار عمده را در پیروزی کودتا ایفا نمود ودر اسناد کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست شوروی و کی. جی . بی دوستان راستین کشور شوروی خوانده می شود، مامورین کی. جی . بی و یا جی.آر.یو را از اقدام خود بی خبر نگهداشت؟ دگروال عبدالقادر که بعداً به رتبهٔ جنرالی و وزارت دفاع در حکومت حزب دمکراتیک خلق رسید در پیام های شمار ۱۲۴ مؤرخ ۱۳۷۴/۲/۲۸ ، شماره ۱۳۱ مؤرخ ۱۳۷۴/۳/۴ ، شماره ۷۳ مؤرخ ۱۳۷۴/۳/۷ و شماره ۲۵۷ – ۲۵۸ مؤرخ ۱۳۷۴/۵/۲۷ مربوط کی. جی. بی از کابل به عنوان دوست راستین شوروی توصیف می شود.

"سلیک هریسن" خبرنگار و پژوهشگر امریکایی به نقل از منابع روسی می نویسد :« دستگاه استخباراتی نظامی شوروی (جی.آر.یو) درحالیکه چشم به آینده دوخته بود افسران تربیت یافتهٔ اتحاد شوروی را در سپتمبر سال ۱۹۶۴ تشویق نمود که سازمان انقلابی مخفی قوای مسلح را تشکیل دهد. اصلاً همین دسته افسران بودند که درسال ۱۹۷۳ با سردار محمد داود (درکودتای او) کمک کردند.»

نویسندهٔ مذکور دگروال عبد القادر را به نقل از منابع روسی عضو استخبارات نظامی شوروی (جی .آر.یو) می خواند. البته نام شفری دگروال عبد القادر و نام مستعار بسیاری از افسران عضو دمکراتیک خلق در ارتش که در کودتای ثور و پیروزی آن نقش عمده داشتند شامل لیست اعضای افغان کی. جی. بی در کتاب "کی. جی. بی در افغانستان" نوشتهٔ میتروخین افسر این سازمان است که در دوران جنگ سرد به غرب فرار کرد. در ترجمهٔ بخشی از این کتاب به ارتباط کودتای ثور که توسط داکتر غلام ذکریا سعدوزی صورت گرفته است می آید:« دونفر صاحب منصبان افغانی قبل از کودتا (کودتای ثور ۱۳۵۷) به ویلبون اوسادچی، مسئول سرویس اطلاعاتی کی. جی .بی درکابل از وقوع کودتا هشدار دادند. این دونفر، صاحب منصبانی بودند که با نام مستعار و شفری "مامد" و "نیروز" در کی. جی .بی شناخته می شدند.

محمد عزیز اکبری یکی از فعالان نظامی جناح خلق که در اوایل حکومت حفیظ الله امین بریاست استخبارات حکومت موسوم به "کام" گماشته شد، اطلاع وقوع کودتا را به شوروی ها از سوی کودتا چیان تایید می کند. او در مصاحبه با ظاهر طنین سردبیر اسبق بخش دری و پشتوی رادیو بی بی سی گفت : « سید محمد گلاب زوی یکی از فیگورهای (چهره های) به اصطلاح مهم درانقلاب ثور بود وکسی بود که



به اصطلاح دستور انقلاب ثور را از امین گرفت وبه تمام سازمانهای نظامی ابلاغ کرد، صبح ۷ ثور با شورویها تماس گرفت، یعنی به اصطلاح دستوری را که از حفیظ الله امین یا مسئول کمیتهٔ مرکزی دریافت کرده بود، به شورویها ابلاغ کرد.»

ولادیمیرریچکین عضو سابق سازمان جاسوسی شوروی (ک. ج. ب) پناهنده در امریکا، در جواب سوال ژورنالیست نیویارک تایمز در شماره ۲۲ مؤرخه ۱۹۸۲ میگوید : " چون دولت محمد داود خان پس ازقتل میراکبرخیبر به گرفتاری رهبران حزب دموکراتیک خلق اقدام کرد، اینان با سفارت شوروی در کابل در تماس شده طالب هدایت شدند. سفارت در جواب به ایشان اطمینان داد که اگر به کودتا دست بزنند مسکو ازآنان پشتیبانی خواهد کرد."

شرکت فعال جگرن محمد رفیع از جناح پرچم در کودتای ثور که او چگونه برخلاف بسیاری از پرچمی های ارتش بدون آنکه دستوری از جانب رهبران جناح پرچم وبه خصوص از نوراحمد نور مسئول نظامی این جناح دریافت کند، بیشتر پرسش برانگیز است. شاید پاسخ این پرسش را بتوان در کتاب میتروخین یافت. اما سلطانعلی کشتمند از رهبران جناح پرچم می گوید :« محمد رفیع اظهار داشت که سرمشاور شوروی در قوای ۴ زرهدار پس از ابلاغ احضارات جنگی در حالیکه خیلی سراسیمه بود نزد وی آمد وموضوع را جویا شد و وی صرف همینقدر برای او گفته بود که اجرای وظایف خاصی در پیش است وضرورت به توضیحات پیشتر نیست.»

نقطهٔ بسیار مهم و قابل بحث در کودتای ثور، روابط حفیظ الله امین با روس ها است که آیا امین بدون اطلاع و استیذان روس ها فرمان این کودتا را صادر کرد؟ سلطان علی کشتمند در این مورد می نویسد:« در بارهٔ اینکه گفته می شود شورویها از اقدام به قیام (کودتای ثور) از پیش آگاهی داشته اند، بی اساس است. حفیظ الله امین در این زمینه دو گونه، حرف برزبان رانده است. او درجلسهٔ سیاسی بگونهٔ رسمی گزارش داد که شام روز قیام یعنی ۲۷ اپریل هنگامیکه از توقیف آزاد شد، موضوع را با اطلاع مقامات شوروی رسانیده است و این زمانی بوده است که شورویها خود مطلع شده بودند. حرف دیگر او بگونهٔ رسمی اظهار کرده است اینکه از طریق مشاورین شوروی در اردو و در جریان آغاز قیام با ایشان نیز موضوع را اطلاع داده است. هرگاه به گفته های نورمحمد تره کی وحفیظ الله امین استناد شود، آنان به تأکید اظهار میداشتند که از وقوع "انقلاب" نه مسکو و نه واشنگتن، نه برژنف و نه کارتر هیچگونه اطلاعی نداشتند. به قراریکه بعد از "انقلاب" افشاء گردید، باری شورویها به نورمحمد تره کی گفته بودند که افسران خلقی در میان ارتش از قیام حرف میزنند، هرگاه چنین چیزی در نظرباشد اشتباه بزرگ خواهد بود. در اینصورت طبیعی بود که امین نمیخواست شورویها قبلاً از پلان قیام اطلاع داشته باشد وباید در برابر یک عمل انجام شده قرار میگرفتند.»

اینکه سلطانعلی کشتمند عدم اطلاع کودتا را توسط امین به شوروی ها، به گونه ای مورد تائید قرار میدهد، درواقع غرض درست نشان دادن باور خود مبنی بر "عدم آگاهی شورویها از قیام" است. اما ادعای هواداران وطرفدارن حفیظ الله امین در این مورد به باور آنها به استقلالیت امین و عدم اعتماد او به روس ها برمیگردد. آنگونه که عبدالقدوس غوربندی از وزیران کابینهٔ امین می نویسد:« در این ۲۱ سالیکه از قیام هفت ثور میگذرد با وجود سعی و تلاش بدخواهان از آرشیف های زمان شوروی کوچکترین مدرکی بدست نیامده که دال بر دست داشتن مستقیم ویا غیر مستقیم شوروی در این قبام باشد. برعکس شواهد واسناد کافی وجود دارد که در هدایت امین در مورد کودتا این دستور هم شامل بود که موضوع از روسها جداً مخفی نگهداشته شود. وجود این جمله دراین دستور نشان دهندهٔ عدم اعتماد عمیق امین نسبت به روس ها است که برحق بودن آنرا حوادث بعدی، تجاوز و اشغال و مداخلاتی که حتی تا امروز ادامه دارد به اثبات رساند.»

ادامه درص۷

کشف گور دسته جمعی در بدخشان نشان بیانگر ...

مظلوم و بیچاره بود که مردم از قاره های مختلف و از نژاد های مختلف زیر پرچم اسلام فراهم شدند.

شهادت در اسلام به معنای عشق به مرگ نیست؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: (إغتنم خمساً قبل خمس حیاتک قبل موتک) پنج چیز را شما قبل از پنج چیز غنمیت بدانید؛ زندگی را قبل از مرگ تان. به همین اساس کسی که خود را به ناحق می کشد، گناه بزرگی را مرتکب می شود. چنانچه در جای دیگر رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید که مسلمان، به شهادت تن می دهد البته اگر یک مسلمان در دفاع از ارزش های دین اسلام شهید شود نزد خداوند بسیار ارزشی بزرگ دارد، چنانچه خداوند در مورد شهداء چنین می فرماید: (یا لیت قومی یعلمون بما غفرلی ربی و جعلنی من المکرمین) "ای کاش قوم من می دانستند که خداوند مرا مورد مغفرت و آمرزش قرار داد و مرا از جملهء کسانی که پیش خداوند معزز و مکرم هستند قرار داد. کسانی که در دفاع از ارزش های دین اسلام شهید می شوند خداوند آنها را عزت و درجهء اعلی نصیل شان می گرداند.

اما امروز در کشورما این ارزش های بلند تحریف می شود. به گونه یی که اشتباه برخی ها باعث می شود که راجع به یک سلسله ارزش ها و مفاهیم مانند جهاد، شهادت و فعالیت های جهادی داوری های نادرست صورت گیرد. تعدادی دید بسیار نادرست دارند و می خواهند اشتباه عده یی را به عنوان داغی بر سیمای با صفای اسلام عنوان کنند. و به سبب اعمال تعداد عناصر نا آگاهی اسلام را به عنوان یک جریان تروریستی معرفی می نمایند. حتی برخی ها گمان می کنند که جهاد یک نوع عمل خشونت آمیز است، در حالی که تمام مفاهیم اسلامی از نام اسلام گرفته شده و مسلمان حتی در بهشت وقتی که داخل می شود تعبیرات سلامتی را ادا می کند و اولین شعار (سلام علیکم طبتم) که کلمهء سلام است بر آن ها عرضه می شود. همچنان مسلمانی که با مسلمان رو به رو می شود السلام علیکم و رحمه الله وبرکاته می گوید. بنا بر این مسألهء صلح و سلامتی انسان و جامعه، جزء فرهنگ اساسی اسلامی است.

امروز ما بعد از جهاد و قربانی های بی دریغ جمعی از فرزندان کشورمان به پیروزی رسیدیم و مراحل مختلف زندگی سیاسی و اجتماعی - توأم با تلخی ها و شیرینی ها - به میان آمد، این که چه دستآوردی به سطح ملی و بین المللی داشتیم ارزیابی های مختلف می شود. برخی ها قضاوت های ظالمانه می کنند. سقوط اتحاد شوروی و پیش آمد انسانی را که مجاهدین پس از پیروزی در مقابل مخالفان خود اختیار کردند و دروازهء زندان ها را گشودند و سیاست تحمل و مدارایی را که در پیش گرفتند نادیده می گیرند و از آن چشم پوشی می نمایند. توطئه هایی که از بیرون مرزها بی رحمانه علیه **مجاهدین** صورت گرفت و جنگ هایی که بر **آنها** تحمیل شد، اصلاً مورد ارزیابی قرار نمی گیرد در حالی که می بینیم، جنگ **امروز** و جنگ دوران مقاومت تفاوتی **ندارد**. در دوران مجاهدین خارجیان با **لشکرهایی منظم** توسط کشورهای مختلف **مسلمان و غیر** مسلمان تحت نام طالب که **از طالب های واقعی** فرسنگ ها فاصله **داشتند سازماندهی می** شد. شهر کابل **مورد راکت باران قرار** گرفت و مجاهدین **در دفاع از مردم و** وطن خود به سنگرهای **خویش بازگشتند** و راهی جز این کار نداشتند چون نباید فرار می کردند. آیا این درست بود که به کشورهای غربی می رفتند و آرام زندگی می کردند.

به خاطر دارم روزی که طالبان کابل را اشغال کردند ما به جبل السراج رفتیم، دکتر عبدالرحمن شهید قبلاً یک فروند طیاره را در میدان هوایی بگرام آماده ساخته بود و توسط مرحوم دکتر بارکزیی به من گفت که مبارزه در هر جا و هر وقت ممکن است بیایید توسط این طیاره به یکی از کشورها برویم. من آن زمان با شدت این پیشنهاد را رد کردم و گفتم من نمی توانم کشور خود را ترک نمایم؟ تا وقتی که حکومت در دست ما بود این جا بودیم حالا که حکومت را در دست نداریم وطن را ترک بگوییم و آن را به بیگانگان بگذاریم. نه چنین نخواهد شد مرحوم شهید احمد شاه مسعود هم در موردی گفت قسم به خدا اگر به اندازهء کلاهم جایی برایم در این وطن باقی بماند این وطن را ترک نمی کنم.

دیروز تعدادی بودند که به صورت منظم علیه مردم افغانستان و حکومت نو پای افغانستان می جنگیدند اما در فرهنگ سیاسی و بین المللی نام آن را جنگ داخلی گذاشته بودند اما برعکس که امروز با تعدادی محدود و متواری شدهء آن گروه می جنگند آن را جنگ علیه تروریزم یاد می کنند.

در چنین شرایطی چه باید کرد و ما در چه مرحله یی قرار داریم؟ به کدام طرف روان هستیم و در برابر تهاجم فرهنگی چه کنیم؟ آیا در برابر دفاع از آرمان های شهدای خویش به قیام برخیزیم؟ این ها سوال های است که نسل جوان از ما می پرسند. برای آنان باید بگوییم که باید نبض زمان را درک کنند که در چگونه وضعیتی قرار دارند. همه چیز مطابق خواست ما حرکت نمی کند و موانعی بسیار زیاد در برابر ما قرار دارد. شاید زیادی از مردم مشکلاتی را که فعلاً وجود دارد احساس نکنند بخشی از این مشکلات برای ما شاید روشن باشد و بخشی دیگر آن شاید روشن نباشد.

چیزی را که باید همه بدانیم رسالت اسلامی، ایمانی و تاریخی مان است که نباید در نیمه راه بماند هیچ مسلمانی نمی پذیرد که آرمان های شهدا و رنج هایی را که ملتش متحمل شده است هدر برود. بنا بر این باید سیاست ها به گونهء سنجیده شده پی ریزی شود تا در تناقض با منافع ملی و ارزش های دینی ما قرار نگیرد برخی ها تمام موضع گیری ها و اظهارات ما را طوری دیگر تبلیغ می کنند چنانچه در ترکیه از من سوال کردند که آیا شما با طالبان می جنگید؟ در جواب آنها گفتم نخیر.

وقتی که این سخن را گفتم غوغایی را بر پا کردند ولی بعداً خود آنان آن سیاست را در پیش گرفتند. دیروز نجنگیدن با طالب را برای ما غوغای تبلیغاتی ساختند اما امروز دولت و سازمان های بین المللی نه تنها به فکر جنگیدن با طالبان نیستند بلکه پروژه هایی گونه گون و سؤال برانگیز را به راه انداخته اند به شکلی که اگر حتی در آلمان اجتماعی از افغان ها قائم شود می خواهند از طالبان هم در آن دعوت به عمل آید. البته این پیشنهاد آلمانی هاست و حتی برخی از نمایندگان سازمان ملل این موضوع را مطرح کرده اند که یکی از نقطه های ضعف جلسهء بن این بود که طالبان در آنجا وجود نداشتند اما در آن زمان ما گفته بودیم که جنگ را بخاطر جنگ نمی خواهیم. در این قسمت من از ول به این نظر بودم که جنگ و صلح مربوط به دولت است گروهای مجاهدین جنگ را رهبری نمی کنند.

در این روزها جبههء ملی به میان آمد و عکس العمل های مختلف در کشور را در قبال داشت. مردم تحلیل های گونه گون دارند، مثلاً این جبهه حرکتی برای گرفتن قدرت سیاسی است و عده از این ناحیه نگران شده، برخی می گویند این یکنوع آشتی و دوستی با گروه هایی است که تا دیروز در جبههء مخالف مجاهدین قرار داشتند و این برگشت آنان از ارزش ها است.

آنچه که ما می خواهیم در آن مورد حرفی نمی زنند. این یک اقدام برای بی ثبات ساختن دولت نیست بلکه به خاطر استحکام وضع موجود است. و این که مجاهدین با گروه هایی که دیروز در جبههء مخالف با آنان قرار داشتند کنار آمدند، دلایل زیادی دارد. چنین چیزی با تعلیمات اسلام مغایرتی ندارد. چنانچه پیامبر در مدینه با غیر مسلمانان میثاق هایی داشت مانند میثاق مدینه، که اولین میثاقی است میان مسلمانان و غیر مسلمانان در میثاق مدینه همکاری مشترک درمیان مسلمان ها و غیر مسلمان هاست. همچنان در قرآن کریم خداوند فرموده است (فقاتلوا او ادفعوا) ای کسانیکه مسلمان نیستید دفاع کنید یعنی ای یهودیان وقتی که حمله بر مدینه می شود دفاع کنید به همین اساس است که یهودیان در دفاع از مدینه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم سهم گرفتند. پروسهء وحدت ملی و همبستگی گروه ها قبلاً شروع شده بود اما در مورد این حرکت چرا غوغا به راه افتید؟ چرا وقتی مجاهدین طرحی را آغاز می کنند غوغاها برپا می شود اما اگر دیگران دست به ایجاد ائتلاف ها و جریان هایی بزنند و هر نامی که به آن بگذارند، کسی انتقادی ندارد. تبلیغات علیه اقدامات مجاهدین ناشی از یک سیاست علیه مجاهدین و گروه های اسلامی است.

کودتای ثور و اتحاد ...

محقق امریکایی سلیگ هریسن به نقل از اسناد منتشر هٔ کی. جی. بی در حالیکه می گوید حفیظ الله امین دستور به کودتا را از روس ها مخفی نگهداشته بود، کی. جی. بی بر خلاف این پنهانکاری امین از وقوع کودتا اطلاع یافت. اما کی. جی. بی نه امین را از انجام کودتا ممانعت کرد و نه محمد داود را در جربان وقوع کودتا گذاشت. این درحالی بود که توصیهٔ مسکو مدت ها قبل برخود داری حزب دمکراتیک خلق از کودتا قرار داشت. هریسن می نویسد:« به قول الکساندر موروزوف که دورهٔ ماموریتش به خیث معاون کی. جی. بی ، ماه ها و هفته های قبل از ۲۶ اپریل را نیز شامل می شود، مسکو شدیداً توصیه نمود که از آن خود داری شود. لیکن کی.جی.بی نتوانسته بود کشف کند. بعد از آنکه یکی از جواسس سازمان استخباراتی نظامی شوروی به سازمان مذکور از پلان امین اطلاع داد، نامبرده ساعت ۹ ویا ۱۰ شب ۲۵ اپریل را برای آغاز عملیات کودتا تعین نموده بود.

بعداً کی جی بی دریافت که درهدایت امین درمورد کودتا این دستور هم شامل بود که موضوع از روس ها جداً مخفی نگهداشته شود. آیا او در هراس بود که ما (کی جی بی) مداخله خواهیم کرد؟ یکی از توطئه کننده گان(کودتا چیان) که وفاداری اش به حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت اتحاد شوروی نسبت به وفاداری اش به امین به مراتب زیاد تر بود، این راز را بما افشاء نمود. **می شد** که داود را از موضوع با خبر **ساخت. ولی نه سفارت** شوروی درکابل و نه **مسکو در فکر آن بود که با حزب** دمکراتیک خلق خیانت کند.

الکساندر موروزوف به من گفت که اندکی **بعد از نیمه** های شب پیام های از وزارت خارجه و دفتر مرکزی کی. جی. بی مواصلت کرد که در آن بما توصیه نشده بود که امین را از ماجراجویی اش منصرف سازیم . »

از اظهارات موروزوف به خوبی پیدا است که انگیزهٔ حفیظ الله امین در پنهان نگهداشتن کودتا از دید شوروی ها به توصیهٔ قبلی مسکو بر میگردد نه در بی اعتمادی او به شوروی و یا بالعکس. اگر عدم اطلاع حفیظ الله امین از کودتای ثور برای شوروی ها با استناد به حوادث بعدی ناشی از عدم اعتماد او به روسها وانمود شود، این حوادث بر خلاف نوشتهٔ عبدالقدوس غوربندی حالت معکوس آنرا نشان می دهد. ماه های بعد از کودتا، حفیظ الله امین برای نجات حاکمیت کودتا یا حکومت حزب دمکراتیک خلق که در معرض زوال و سقوط قرار گرفته بود، خواستار ورود قوای نظامی شوروی شد. و پس از قتل تره کی گپ به جایی رسید که او (امین) نیروهای شوروی را به عنوان گارد محافظ وارد مقر و قصر خویش ساخت. کدام عقل سلیمی می پذیرد که زمام دار یک کشور برای حفاظت خود ودولتش از کشوری نیروی نظامی بخواهد که نسبت به او بی اعتماد باشد؟ واقعیت این است که نه ادعای جناح پرچم در مورد امین به عنوان عضو سی. آی. ای ونه ادعای غوربندی و طرفداران خلقی امین در بی اعتمادی او به شوروی و استقلالیت او درست ومنطقی میباشد. امین به ادعای مامورین کی. جی .بی یکی از اعضای افغان این سازمان بود: « "بوکوفسکی" یکی از کارکنان سابق کی. جی .بی ادعا می کند که نام مستعار امین در نزد استخبارات شوروی "کاظم" بوده است. در لست "میتروخین" نیز چنین نامی موجود است. »

صرف نظر از اینکه شوروی اسبق در کودتای ثور ۱۳۵۷ دخالت داشت یا نداشتت و به قول رهبران جناح خلق این کودتا برای مسکو به همان حد غیر منتظره بود که برای واشنگتن غیر منتظره محسوب می شد، اما نفوذ شوروی و وابستگی افسران کودتاچی به شوروی و حزب و ابسته به شوروی منتج به کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ در افغانستان شد. در حالیکه بدون چنین روابط و وابستگی، کودتای ثور مجال وقوع نداشت. کودتای که افغانستان را وارد یک مرحلهٔ خونین و خوفناک تاریخ این کشور ساخت. افغانستان در پیامد این کودتا میدان تاخت و تاز و تجاوز متعدد نیروهای خارجی قرار گرفت.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه‌خدا از عالي‌ترين آرزوهاي‌ملت

دور هشتم سال ششم شمارهٔ سوم شنبه ۸ ثور ۱۳۸٦ ۱۰ ربیع الثانی ۱٤۲۸ - April 28 , 2007

برای شخصیتهای جهادی مدال های دولتی در نظر گرفته خواهد شد

مطابق هدایت حامد کرزی رئیس جمهور کشور به منظور گرامیداشت شخصیت های جهادی که علیه تجاوز قوای شوروی سابق، از خود شهامت نشان داده اند مدالهای دولتی در نظر گرفته خواهد شد.

این مطلب را صادق مدبر معاون ادارهء امور در کنفرانس خبری روز دوشنبه ۳ ثور در کابل بیان داشت.

وی گفت که رئیس جمهور کشور در جلسهء امروزی شورای وزیران به ادارهء امور و دارالانشای شورای وزیران و وزارت دفاع وظیفه سپرد که این مدال ها را در روز تجلیل از جشن استقلال کشور (۸ ثور) به شخصیت های جهادی اعطاء نمایندااما وی اسمای آنها را مشخص نکرد.

مجاهدین در ۸ ثور سال ۱۳۷۱ آخرین رژیم کمونیستی حامی شوروی سابق را سقوط دادند و حکومت را به دست گرفتند.

به گفتهٔ مدبر، مطابق اجندا شورای وزیران، قانون نشانها ، مدالها والقاب افتخاری افغانستان توسط وزیر عدلیه در جلسه مطرح شد. در این قانون که از طریق کمیتهء قوانین به شورای وزیران ارائه گردید، شامل ۱۴ نشان دولتی، ۱۸ مدال و ۷ لقب افتخاری میباشد.

در جلسه علاوه بر تائید نشانها و مدالها ، مدال خدایی خدمتگار خان عبدالغفار خان، مدال ناهید شهید و لقب مادر ممتاز وطن نیز منظور گردید.

همچنان به اساس پیشنهاد وزارت اطلاعات و فرهنگ، نشان دولتی بنام مولانا جلال الدین محمد بلخی مسمی گردید. مولانا بلخی عارف و دانشمند شناخته شده ملی و بین المللی است که ادارهٔ یونسکوی ملل متحد سال ۲۰۰۷ میلادی را به نام مولانا نامگذاری کرده است.

اعلام حمایت یونسکو از بیت‌المقدس و مسجدالاقصی

سازمان یونسکو بار دیگر حمایت از بیت‌المقدس به ویژه مسجدالاقصی را خواستار شد.

به گزارش خبرگزاری ایسنا شورای اجرایی سازمان یونسکو با صدور بیانیه یی بر ضرورت حمایت از بیت‌المقدس به ویژه مسجدالاقصی با توجه به ادامه‌ی حفاری‌های رژیم صهیونیستی در اطراف این مسجد تاکید کرد.

در این بیانیه بار دیگر بر ارزش و جایگاه بیت‌المقدس به عنوان یک میراث فرهنگی و باستانی جهانی و ضرورت حمایت از آن تاکید شده است.

از سوی دیگر شیخ عبدالناصر عبدالله، رئیس روابط عمومی مجمع یاری دهندگان فلسطین تأکید کرد که موضعگیری یونسکو ناشی از درخواست‌های مکرر و امضاهای میلیونی اعضا و طرفداران مجمع و همچنین موسسهء خیریه شیخ عید بن محمد آل ثانی در قطر است.

وی افزود: اعضای این مجمع در نامه یی رسمی به دبیرکل سازمان ملل متحد ضمن اعلام انزجار خود از اقدامات تجاوزگرانهء اسراییل علیه مسجدالاقصی پایان دادن به این اقدامات را خواستار شدند.

خبرگزاری قطر نیز به نقل از منابع فلسطینی نوشت: نیروهای رژیم اشغالگر از ورود شیخ عکرمه صبری، خطیب مسجدالاقصی و رئیس شورای عالی اسلامی بیت‌المقدس به اراضی فلسطینی جلوگیری کردند.

بر اساس این گزارش نیروهای اسراییل شیخ صبری را از روی پل ارتباطی فلسطین و اردن به بهانهء مسایل امنیتی بازگردانده و مانع ورود او به فلسطین شدند.

سخنگوی مسجدالاقصی این اقدام نیروهای اسرائیلی را مغایر با آزادی اندیشه و بیان و مهری تأیید بر اعمال فشارهای این رژیم علیه فلسطینیان و جلوگیری از عبور و مرور آزادانهء آنها دانست.

وزارت معارف به علماء و مدرسان مدارس دینی گواهی نامه می دهد

"محمد حنیف اتمر" وزیر آموزش و پرورش افغانستان از اعطای گواهی تحصیلی به علما و مدرسین دینی فاقد مدرک تحصیلی معتبر در این کشور خبر داد.

به گفتهء وزیر معارف فارغین مدارس خصوصی بعد از اخذ امتحان که توسط علمای دینی صورت می گیرد و در صورت گذاراندن موفقانهء این امتحان، شهادتنامه دست خواهند آورد که با استفاده از این شهادتنامه می توانند در مؤسسات دولتی مانند، مدارس دینی، مکاتب و سایر ادارات دولتی به حیث معلم و یا مأمور وظیفه اجرا کنند.

این تصمیم وزارت مورد استقبال فارغان مدارس خصوصی دینی قرار گرفته و آنها را به آینده امیدوار ساخته است.

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت پانزدهمین ...

بیکاری، فقر و گرسنگی، فساد اداری، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی مشروعیت دولت منتخب را زیر سؤال برده و اکنون آن خوشبینی هایی که در گذشته نسبت به دولتمزدان کنونی وجود داشت کمرنگ شده است.

بدون شک حاکمیت چنین وضعی در کشور، سؤال بر انگیز بوده و همه شخصیت ها و گروه هایی را که برای امروز و فردای این ملت می اندیشند بر آن واداشته است تا از تماشابینی به در آیند و با اتخاذ مواضع مسؤولانه برای جلوگیری از عمیق تر شدن بحران کنونی گام هایی مناسب بردارند. مطالعهء تاریخ ملت ها و کشورهایی که چنین وضعی را به تجربه گرفته اند نشانگر آن است که شخصیت ها و گروه هایی باورمند به مردم و امروز و فردای آنان برای برون رفت از همچو نا به سامانی ها در جهت تحکیم وحدت ملی و ایجاد اعتماد درمیان طیف های مختلف ملت خود به طرح رهکارهایی دست یازیده و با ابتکارهایی از این قرار گلیم نا امنی ها و بدبینی و بحران ها را جمع کردند.

آری! جمعیت بر بنیاد همچو تحلیلی از اوضاع کنونی و درک پیامدهای ادامهء ناگوار چنین وضعی بعد از این که بارها مواضع مشخص خویش را در قضایای مختلف داخلی و خارجی در پیوند به سرنوشت کشور و برون رفت از بحران آن، با دولتمردان مطرح کرد، لازم دید دست اندرکار اقدام به تأسیس "جبههء ملی" شود تا با جمع شدن طیف های مختلف سیاسی در زیر چتر این جبهه بتوانند گامی به سوی برون رفت از مشکلات بردارند.

جمعیت اسلامی افغانستان به تأسی از همان سیاست وحدت خواهانه و دوری جستن از هر گونه انحصار طلبی هایی که متأسفانه حاکمیت آن در وضع فعلی مجاهدین را سخت به ستوه آورده است، اقدام به این حرکت کرد و هدف نهایی از تأسیس این جبهه همانا بازسازی اعتماد ملی و از بین بردن فاصله های ایجاد شده درمیان مردم و در نهایت تحکیم وحدت ملی بوده است ولاغیر و جمعیت در این راه از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد!

در اخیر یک بار دیگر فرا رسیدن این جشن پیروزی مجاهدین را به فرد فرد این ملت مجاهد و رهبری جمعیت اسلامی افغانستان تبریک و شادباش می گوید.

گرامی باد خاطرهء پیروزی جهاد در راه دفاع از آزادی، عزت و شرف.

به پیش در راه دفاع از استقلال و مشارکت سیاسی و توسعهء ملی.

تأمین امنیت به چاره جویی های تازه نیاز دارد

محمد شریف صالحزاده

هرچند بعد از پایان کابوس وحشت انگیز طالبان و شکل گیری حاکمیت جدید به رهبری آقای کرزی بی ثباتی و جنگ در سراسر کشور مهار نشد اما مناطق شمال کشور در تناسب با جنوب و شرق آرام بود اخیراً نا آرامی ها به شمال کشور توسعه یافته است که این جریان نگرانی شدیدی را درمیان مردم به وجود آورده و بی باوری مردم نسبت به ناکام بودن دولت در عرصهٔ تأمین امنیت و سرکوب شورشیان، افزوده است.

مخالفان مسلح دولت افغانستان، پس از پنج سال چند واحد اداری را در ولایت آشوب زدهٔ هلمند به تصرف خود در آورند و هر از گاهی نیز در ولایات نزدیک به پایتخت مانند لوگر، کاپیسا و غزنی دست به حملات تهاجمی بالای پاسگاه های امنیتی و مراکز دولتی می زنند که این مسایل همه به ناتوانی دولت و نیروهای بین المللی ضد تروریزم که در نبرد مستقیم با شورشیان قرار دارند دلالت می کند.

طالبان در سال ۱۳۸۵ با حملات انتحاری ده ها غیر نظامی را به قتل رساندند و وضعیت امنیتی را بیش از پیش خراب ساخته و با آن که جنرال ظاهر عظیمی سخنگوی وزارت دفاع ملی تهدید طالبان را ناچیز می شمارد و از مجهز شدن ارتش ملی در سال جدید سخن می گوید ولی چنانکه دیده می شود مجهز شدن ارتش ملی با جنگ افزارهای مدرن تأثیری بالای امنیت نگذاشت و ولسوالی های از دست رفته در اشغال مخالفان دولت باقی ماند، حملات انتحاری افزایش یافته است، زمینهٔ ارایهٔ خدمات اولیه در مناطق نا آرام برای مردم، محدود گردیده، کارکنان نهادهای امداد رسانی به گروگان گرفته می شوند. و در این میان سیاست نا سامان مند دولت افغانستان و حامیان بین المللی به بدتر شدن وضع کمک می کند. زیرا دولت افغانستان درمبارزه با طالبان از یک سیاست مشخص پیروی نمی کند. گاهی باب گفتگو تفاهم را باز می کند، گاهی از عملیات نظامی و جنگ حرف می زند و زمانی هم پاکستان را مقصر شناخته بر آن می تازد. این حرکت چند پهلو در تقویت طالبان بی تأثیر نیست چنانچه اکنون طالبان به یکی از چالش های مهم در راه پیشرفت و دولت افغانستان مبدل شده اند. همچنان عدم هماهنگی کشورهایی که در افغانستان نیروی نظامی دارند به قوت گیری دوبارهٔ طالبان کمک کرده است. دولت افغانستان و نیروهای بین المللی با توجه به امکاناتی که در دست داشتند باید در مدت چند سالی که گذشت با راه اندازی سیاست های نظامی طالبان را چنان تضعیف می کردند که راه دیگر جز پیوستن به دولت پیش روی خود نمی دیدند.

دولت حالا هم وقت دارد که از تمام ظرفیت هایی که در اختیار دارد در مهار کردن شورشیان استفاده کند و از منسجم شدن دوبارهٔ این گروه جلوگیری کند. ادامهٔ روش مدارا جویانه با طالبان زمینه یی است برای رشد دوبارهٔ این گروه.